

## جایگاه تأویل در روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام

\* منصور پهلوان

\*\* معصومه آگاهی

**چکیده:** بخش قابل توجهی از روایات تفسیری را که از امام سجاد علیه السلام بر جای مانده، تأویل آیات و ارائه مصاديق آنها تشکیل می دهد. این روایات نقش تعیین کننده ای در بازسازی عقاید جامعه پس از شهادت سید الشهداء علیه السلام دارد، در این گفتار، فزونی روایات تأویلی و تعیین مصاديق آیات، بر پایه مخاطب و فضای صدور روایات تحلیل شده است.

**نگارنده:** نمونه هایی از موضوع های این روایات را بدین سان  
**برمی شمارد:** بازسازی بنیان تفکر ولایت مدار، ترسیم محور های تفکر مهدوی، تعیین مصاديق آیات.

**کلید واژه:** امام سجاد علیه السلام / تفسیر مؤثر / تأویل / مصاداق / مهدویت در قرآن / امامت در قرآن.

---

Email : Pahlevan@ut.ac.ir

Email : Magahi52@gmail.com

استاد دانشگاه تهران.\*

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.\*\*

## طرح مسأله

روش‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>، ما را به این نکته رهنمایی می‌شود که معصومان<sup>علیهم السلام</sup> در تفسیر آیات الاهی، اصول و مبانی مشترکی دارند. این نکته با درنظرگرفتن این حقیقت که ایشان در عین تعدد، نور واحدند، دور از انتظار نیست. اما از سوی دیگر، تفسیر هر یک از معصومان<sup>علیهم السلام</sup>، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از تفاسیر دیگر تمایز می‌کند. این ویژگی‌ها بستگی تام و تمامی با پارامترهای زمانی، مکانی و مخاطبان معصومان<sup>علیهم السلام</sup> دارد که با ترسیم این عوامل می‌توان به تحلیل صحیحی از شاخصه‌های تفسیر معصومان<sup>علیهم السلام</sup> دست یافت.

در بررسی روایات تفسیری امام سجاد<sup>علیه السلام</sup>- که در سایه ادعیه صحیفه و کتاب زهد و حقوق ایشان مهجور مانده است - با دو ویژگی مهم مواجه می‌شویم: نخست این که حدود نیمی از روایات تفسیری امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> را تأویل و ارائه معنای باطنی آیات تشکیل می‌دهد، و دیگر این که امام<sup>علیه السلام</sup> در موارد بسیاری در تفسیر آیات، مصاديق آنها را تعیین کرده است. این نوشتار از طریق بررسی فضای صدور روایات از جهت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نوع مخاطبان امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> به تحلیل دو ویژگی مذکور می‌پردازد.

### اوپرای سیاسی دوران امام سجاد<sup>علیه السلام</sup>

امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> در سال ۳۸ هجری قمری، در زمان خلافت جدش امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> چشم به جهان گشود. در این زمان، علاوه بر جنگ صفين که صورت علنی مبارزه میان علی<sup>علیه السلام</sup> و معاویه است، تنور مخالفت‌ها و مبارزات فرهنگی میان این دو جبهه داغ بود. پس از شهادت امام علی<sup>علیه السلام</sup>، مسلمانان به جای بیعت با حسن بن علی<sup>علیه السلام</sup>، با معاویه، به عنوان خلیفه پیامبر بیعت کردند. تهدید و تطمیع‌های معاویه سبب شد که امام حسن<sup>علیه السلام</sup> تنها بماند و ناگریر به امضای صلح‌نامه شود. پس از این قرارداد، حسنین<sup>علیهم السلام</sup> به همراه عیال و فرزندان خویش، از جمله امام سجاد<sup>علیه السلام</sup>، به مدینه

بازگشتند. در سال‌های جوانی امام سجاد<sup>ع</sup>، معاویه خلیفه بود. او در دوران خلیفه دوم به حکومت شام منصوب و بسیار مورد عنایت و نوازش خلیفه واقع شد. (شیرف قرشی، ج ۲، ص ۳۳۸) معاویه از هر وسیله‌ای برای خاموش کردن نور آل محمد<sup>ع</sup> و فاصله انداختن میان آنها و امت استفاده کرد چنانکه از عمل به سنت پیامبر نبی کرد و اول کسی بود که بر منابر سبّ علی<sup>ع</sup> نمود. او چنان بر دوست‌داران اهل بیت<sup>ع</sup> سخت گرفت که اگر به کسی لقب «زنديق» می‌دادند، بهتر از آن بود که اورا «دوست‌دار آل محمد<sup>ع</sup>» بنامند (همان، ج ۲، ص ۳۴۰). در دوران معاویه سخت‌ترین فعالیت‌ها علیه اهل بیت<sup>ع</sup>، شیعه، موالی و ایرانیان صورت گرفت که در نهايیت به شهادت امام حسن<sup>ع</sup> انجامید و اين شدت و سختی، ۲۰ سال يعنی تا زمان مرگ معاویه ادامه داشت (نک: عماد زاده، ص ۶۸۹).

پس از مرگ معاویه، فرزندش یزید بر تخت حکومت و خلافت پیامبر<sup>علیه السلام</sup> تکيه زد. یزید آشکارا معصیت می‌کرد و حکم خدارابه آسانی نادیده می‌گرفت. او بسیار تلاش کرد که از امام حسین<sup>ع</sup> و بنی هاشم برای خود بیعت بگیرد و به این ترتیب مهر تأییدی بر عملکرد سیاه خود بگذارد. اما هنگامی که در این کار توفیقی نیافت، چاره را در کشتن فرزند رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> دید. وی در دوران کوتاه حکومت خویش که سه سال و اندی به طول انجامید، سه برنامه اصلی را اجرا کرد که هر یک از آنها در تاریخ اسلام بی‌نظیر است: سال اول شهادت سید الشهداء<sup>ع</sup> و خاندان ویاران او؛ در سال دوم، قتل عام مردم مدینه و مباح شمردن خون، مال و ناموس مسلمانان بر لشکریانش (الدمشقی، ج ۸، ص ۲۴۱-۲۴۲)، و در سال سوم، حمله به بیت الله الحرام و به منجنيق بستن حرم امن‌الاهی (همان، ج ۶، ص ۲۴۲). یزید اندکی پس از این هتک حرمت، به هلاکت رسید و فرزندش معاویه بن یزید بر جای او نشست. معاویه از حکومت و خلافت کراحت داشت. لذا به محض رسیدن به خلافت در جمع مسئولین حکومتی خطبه‌ای خواند؛ بیعت خویش را از گردن مردم برداشت و تعیین



خلیفه را به مردم سپرد (نک: شریف قرشی، ۲، ۳۴۴). پس از کناره‌گیری معاویه دوم از خلافت، سران حکومت به سرعت با مروان بن حکم به عنوان اولین خلیفه مروانی بیعت کردند (نک: شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۴۷). در ایام حکومت مروان، لعن امیرالمؤمنین بر منابر علنی شد. وقتی که امام زین العابدین علیه السلام از او پرسید: «چرا بر منابر سبّ علی می کنید؟»، مروان گفت: «زیرا کار ما جز به این صورت سامان نمی یابد». (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۴۸) پس از مروان، عبدالملک که از جباران بنی امیه بود، بر تخت نشست. وی کتاب خدا را در دست گرفت و گفت: «هذا فراق بینی و بینک». (ابن کثیر، ج ۹، ص ۷۷)

پس از عبدالملک فرزند او ولید که فردی جبار و ستمگر بود و به سنت اموی عمل می کرد، به خلافت رسید. او آخرین خلیفه اموی معاصر امام سجاد علیه السلام، و دشمن‌ترین افراد به امام بود؛ به گونه‌ای که اعتراف کرد ملک و سلطنتش با وجود امام علیه السلام کامل نمی شود (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۶۳). به این ترتیب خشونت، ظلم و جور مشخصه اصلی حکومت اموی بود؛ آنچنان که انتقال قدرت از خلیفه‌ای به خلیفه دیگر، هرگز فشار بر اهل بیت علیه السلام و شیعیان یا محبان آنها را کاهش نمی داد.

**اوضاع فرهنگی - اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام سجاد علیه السلام**  
طبیعت حکومت اموی، استبداد و جبروت حکام و ملوک آن بود. در دوران امویان، قواعد عدل سیاسی و اجتماعی زیر پا گذاشته شد؛ آزادی اجتماعی از میان رفت و قوانین اسلام لگدمال شد؛ ظلم و ستم فراگیر، و سیاست تفرقه و اختلاف‌افکنی بین مسلمانان در پیش گرفته شد (شریف قرشی، ج ۲، صص ۳۷۵-۳۷۲) بنی امیه سه مرتبه مدینه را غارت کرده، اموال مسلمانان را مباح کردند. به دلیل وقوع این جنگ‌های داخلی از یک طرف، و رفاهزدگی و تجمل پرستی خلفا از سوی دیگر، وضع اقتصادی مردم مدینه بسیار نامناسب بود.  
در این دوران مردم به جاهلیت و اعقاب خود بازگشتند. شهر پیامبر علیه السلام - مدینه

النبي - به مرکزی برای لهو و لعب تبدیل شد، آنچنانکه آوازه‌خوانی، رقصی، مجالس مختلط زن و مرد، مجلس شراب و مراکز آموزش غنا رواج پیدا کرد (نک: شریف قرشی، ج ۲، صص ۴۰۷-۴۱۲). شعر در این زمان قبیله‌ای است؛ موضوع اصلی آن شجاعت، زیادی مال و نفر و هر آن چیزی است که به آن افتخار می‌کردند و واژه‌ای در قاموس سبّ و شتم نماند مگر آن که به نظم درآمد. در حقیقت، جاهلیّت اولی که اسلام با آن مبارزه کرده بود، در ایام حکومت اموی تمام چهره، رخ نمود (نک: شریف قرشی، ج ۲، صص ۴۱۵-۴۱۷). گرچه مدینه، «دارالسّنّه» نام گرفته بود، مردم در این زمان بیشتر متاثر از ارزش‌های خلافت بودند تا سنت پیامبر ﷺ و امامان شیعه علیهم السلام. پس از واقعه حربه چنان حقارتی بر مردم مدینه تحمیل کردند که ناچار شدند به عنوان «برده یزید» با فرمانده نظامی او بیعت کنند (ابن ابیالحدید، ج ۳، ص ۲۵۹). مسجد النبی ﷺ که روزی پایگاه پیامبر ﷺ و مقبر حکومت ایشان بود، به محلی برای چهارپایان تبدیل شده بود؛ ستوران را به ستون‌های مسجد می‌بستند و چنان‌چه کسی قصد زیارت مزار پیامبر ﷺ را داشت، او را با خنجر منع و تهدید می‌کردند (مجلسی، ص ۱۱؛ عمامزاده، ص ۷۵۳).

### موقعیت امام سجاد علیه السلام در مدینه

علی‌رغم شرایط نامساعد و اوضاع نابسامانی که در مدینه وجود داشت، امام سجاد علیه السلام، در سراسر حیات خویش، در مدینه ماند و جز برای حجّ و زیارت از آن خارج نشد. مورخان گزارش کرده‌اند که ایشان برای زیارت مزار جدّش، علی‌بن ابی طالب علیه السلام، به عراق سفر کرد و مسلم است که مزار سید الشهداء علیه السلام را نیز زیارت کرده است (شریف قرشی، ج ۱، ص ۱۸۶)، اما اقامت‌گاه ایشان تا پایان عمر مبارکشان، شهر رسول خدا علیه السلام و مضجع شریف اوست.

دوران حیات امام سجاد علیه السلام آکنده از سختی، مراری و تنها‌یی است. طبق گزارش فضل بن شاذان پس از واقعه کربلا، تنها پنج نفر پیرامون امام علیه السلام باقی ماندند:

ابو خالد کابلی، یحیی بن ام الطویل، جبیر بن مطعم، سعید بن جبیر و سعید بن مسیب (طوسی، اختیار، ج ۱، ص ۳۳۲). سیاست منع نقل حدیث که از زمان خلفاً آغاز شده بود، در زمان امام علیؑ باشدت بیشتری ادامه یافت. جعل حدیث نیز که به دستور معاویه و در قالب پخش نامه‌های مکرر وی به استاندارانش، به عنوان یک سیاست خصم‌مانه فرهنگی پی‌ریزی و پس از آن دنبال شده بود (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲، صص ۴۶-۴۴)، ضربهٔ دیگری بر پیکرهٔ حدیث، و مانعی بر سر راه ارتباط امام علیؑ با مردم و انتقال معارف دین و قرآن به ایشان بود. اجرای سیاست منع حدیث و جعل آن باعث شد بسیاری از روایات نبوی، خاصهٔ آنها که در مورد فضایل اهل بیت علیؑ وارد شده بود، از مدار نقل خارج شده یا به فراموشی سپرده شود (ابوریه، ص ۵۵).

در این زمان، شرایط مناسبی برای تعامل امام علیؑ با مردم وجود نداشت. انهدام و تخریب شان و جایگاه اهل بیت علیؑ که از لحظهٔ رحلت پیامبر ﷺ آغاز شده و در طول دوران امیر المؤمنین علیؑ و امام حسن علیؑ ادامه یافته بود، با قتل سید الشهداء علیؑ به اوج خود رسید. دعاهای امام سجاد علیؑ که بیشترین حجم روایات ایشان را تشکیل می‌دهد، نشانگر غربت امام سجاد علیؑ و عدم حضور مخاطبی است که از دریای بی‌کران علم و معرفت الاهی ایشان بهره‌گیرد. به دلیل همین تنها‌یی است که حضرت در دوران پر حزن و اندوه حیات خویش سیاست سکوت را در برابر امویان در پیش گرفتند. امام سجاد علیؑ هیچ یک از حرکت‌های سیاسی معاصر خویش را تأیید نکردن؛ حتی نهضت‌هایی که ظاهرآ به خون خواهی سید الشهداء علیؑ آغاز شده بود، از جانب ایشان مشروعیت نیافت. امام علیؑ با درک صحیح شرایط عصر خویش که بر پایه علم الاهی ایشان استوار بود، به خوبی از ناکارآمدی روش مبارزه فیزیکی آگاه بودند. لذا نه خود به این کار مبادرت کرد و نه به کسانی که خواستار تجویز چنین تحرکاتی بودند، اجازه آن را داد. از رویارویی و گفت و گوی امام سجاد علیؑ با خلفاً و حکّام عصر خویش، جز دو خطبه‌ای که در

مسجد کوفه و مجلس یزید ایراد شده، گزارشی در دست نیست (نک: طبری، ج ۴، ص ۳۵۵؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۱۱). پس از ماجرای انهدام کعبه نیز، واکنش امام سجاد علیه السلام اقدام به تعمیر و مرمت کعبه و نصب حجر الاسود است (ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۹۷؛ مسعودی، ج ۲، ص ۷۴). متقابلاً خلفای اموی، از یزید تا ولید بن مروان، همه، در ظاهر ایشان را احترام کرده، از فرامین تهدید و تعدیب مردم مستثنی می‌کردند (عمادزاده، ص ۷۳۶).

### جایگاه امام سجاد علیه السلام در تفسیر قرآن

به طور کلی روایات تفسیری رسیده از امام سجاد علیه السلام از دو جنبه کمی و کیفی قابل بررسی است. از لحاظ کمی، حدوداً دویست و پنجاه روایت تفسیری از منابع گوناگون روایی و تفسیری، اعم از شیعه و اهل سنت، استخراج شده است. این روایات به لحاظ محتوایی، برخی موضوعات علوم قرآنی نظیر اسباب نزول، فضیلت برخی آیات و سور و قراءات را در بر می‌گیرد.

قسمت عمده این روایات، به تفسیر آیات قرآن اختصاص دارد. یعنی امام سجاد علیه السلام به طرق گوناگون به تبیین مراد خداوند از آیات پرداخته‌اند؛ همان وظیفه‌ای که براساس قرآن، بر عهده پیامبر اسلام علیه السلام و جانشینان او نهاده شده است.

آن‌چه در میان حجم به ظاهر اندک روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام رخ می‌نماید، اهتمام ویژه حضرت به بیان مصاديق و تأویل آیات است. امام سجاد علیه السلام در خلال این تأویلات و مصاديق سعی در ترسیم جایگاه و تبیین شأن و فضیلت اهل بیت علیه السلام دارند. اگر با دیده تحلیل به این مسئله بنگریم، وفضای خاص سیاسی و اجتماعی دوران حیات امام سجاد علیه السلام را در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که امام علیه السلام در مقام معماری است که موقعیت اهل بیت علیه السلام را که از لحظه رحلت پیامبر علیه السلام در معرض تهدید و تخریب واقع شده و با شهادت سید الشهداء علیه السلام به طور کلی منهدم شده



بود، بازسازی و ترمیم می کند. اهمیت این مطلب تا به آنجاست که اگر نقش امام سجاد علیه السلام را در این بازسازی حذف کنیم، حضور دو امام بعدی علیهم السلام - و حتی امامان پس از ایشان علیهم السلام - را به عنوان محل مراجعه و ملجمسلمانان به خصوص شیعیان از دست خواهیم داد و این به معنای از دست دادن بخش عظیمی از معارف و آموزه های دینی است که از طریق این بزرگان به جامعه انسانی و مسلمانان ارائه شده است. به عبارت دیگر اگر مردم به هر دلیلی به شأن و مقام امام علیه السلام در تبیین کتاب الله و تربیت نفوس جاهل باشند، حتی با فرض حضور امام علیه السلام وجود فضای مناسب برای اقتباس از نور علم و دانش او، این مراجعه و تعامل صورت نخواهد گرفت. لذا در حقیقت می توان گفت تمامی تفاسیری که پس از امام سجاد علیه السلام به واسطه مراجعة مردم به اهل بیت علیهم السلام و خوشچینی از محضر ایشان بر جای مانده و به ما رسیده است، و حتی تأیید و تثبیت موقعیت ائمه پیشین علیهم السلام جهت انتفاع از تعالیم الاهی ایشان، همگی مرهون علم، حلم و جهد امام سجاد علیه السلام در انجام این امر خطیر است.

### روایات تأویلی امام سجاد علیه السلام

تقریباً نیمی از روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام را تأویل و ارائه مصاديق آیات تشکیل می دهد. غالب این روایات به تبیین شأن و منزلت اهل بیت علیهم السلام، فضیلت ایشان بر سایرین، موقعیت دوست داران ایشان و معرفی دشمنانشان پرداخته است. اگر چه برخی نیز به بازسازی چارچوب اعتقادی شیعه در زمینه های آخر الزمان، مهدویت و رجعت اختصاص یافته است. نمونه هایی از این روایات به تفکیک موضوع عبارتند از:

#### ۱. بازسازی بنیان تفکر و لایت مدار

از آن جا که دوران امام سجاد علیه السلام از جهت بازگشت مردم به مبانی جاهلیت و فاصله گرفتن از امام علیه السلام تا به آنجا که به خانه نشینی ایشان انجامید، بسیار شبیه دوران



امام علی علیه السلام است، رویکردهای ایشان به موضوع «ولایت»، «تولی» و «تبیری» بسیار همانند است. همان سببی که امام علی علیه السلام را وامی دارد شؤون علم و تقوای خود را بستاید و در میدان فضیلت‌ها داد مبارز طلبی سر دهد، امام سجاد علیه السلام را نیز در جایگاهی قرار می‌دهد که فضایل پدرانش و امتیازات ذریه‌اش علیه السلام را در قالب تبیین آیات قرآن بیان کند.

### ۱- تبیین جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

مهم‌ترین رکنی که امام سجاد علیه السلام سعی در تحکیم آن دارد جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام در مقام ولایت است. به طور نمونه امام علی علیه السلام در تفسیر «ادخلوا فی السُّلْمَ كَافِهً» می‌فرماید: «سلم و سلامت همانا ولایت امیر المؤمنین است» (بحراتی، ج ۱، ص ۱۲۹). ایشان مراد از شجره مبارکه در «کانَهَا كَوْكُبٌ دَرْرٌ يَوْقَدُ مِنْ شَجَرٍ مَبَارِكٍ» و نخستین مصداق «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتَغَيْ مَرْضَاتِ اللَّهِ» را علی بن ابی طالب علیه السلام می‌داند (نک: حسینی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ الکوفی، ص ۱۲۴؛ اصفهانی، ص ۲۲۴؛ ابن شهرآشوب، مناقب، ص ۳۳۹).

گاهی نیز امام علی علیه السلام، تفسیر خویش را به گفتار رسول خدا علیه السلام مستند می‌کند تا زمینه بهتری برای پذیرش مخاطب ایجاد کند. به طور مثال زمانی که از ایشان معنای «آن تقول نفسُ يا حسرتَ عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ...» را پرسیدند حضرت فرمود: «جنب الله تنهای علی بن ابی طالب علیه السلام است و او حجت خدا بر خلق است. هنگامی که روز قیامت شود، خداوند به نگهبانان جهنم امر می‌کند که کلیدهای آن را به علی علیه السلام بسپارند. پس هر که را بخواهد داخل [دوزخ] کند و هر که را بخواهد نجات دهد؛ همانا رسول خدا علیه السلام فرموده است: «ای علی هر کس تو را دوست دارد مرا دوست داشته و هر کس تو را دشمن دارد مرا دشمن داشته است. ای علی تو برادر منی و من برادر تو هستم...» (الکوفی، فرات، ص ۳)

## ۱- تبیین جایگاه اهل بیت

محور بعدی تأویلات امام سجاد علیه السلام را ترسیم جایگاه بی‌مانند اهل بیت علیهم السلام در میان سایر فرزندان آدم علیهم السلام تشکیل می‌دهد. ایشان در تفسیر «احدنا الصراط المستقیم» می‌فرماید: «ما ییم ابواب الاهی و ما ییم راه استوار.» (مجلسی، ج ۲۴، ص ۱۲). یعنی آن صراط مستقیمی که در هر نماز از خداوند هدایت به سوی آن را طلب می‌کنید پیروی از ماست، بدون آن که یکی بر دیگری رجحانی داشته باشد؛ چراکه ما به منزله درهایی هستیم که از هر یک وارد شوی، به تنها مسیر هدایت متنهی می‌شود. هم‌چنین در بیان معنای «و ألق في الأرض رواسي أن تميد بكم...» می‌فرماید: «وجود ماست که زمین را از آن که اهلش را بزرگ نگاه می‌دارد.» (بن‌بابویه، کمال، ج ۱، ص ۲۰۷)

امام سجاد علیه السلام در قالب بیان معنای «فاسألوا اهل الذکر» به طرح و ترسیم یک منشور تربیتی می‌پردازد که همواره نشانگر جایگاه اهل بیت علیهم السلام و وظیفه شیعیان در برابر ایشان است: «بر عهده امامان علیهم السلام چیزی است که بر شیعیان ایشان نیست و بر عهده شیعیان ما چیزی است که بر ما نیست. خداوند عز و جل به آنها امر کرده که از ما سؤال کنند: «فاسألوا اهل الذکر»؛ پس به آنها امر کرده که از ما بپرسند، ولی بر ما واجب نیست که پاسخ گوییم؛ اگر بخواهیم پاسخ می‌دهیم و اگر بخواهیم خودداری می‌کنیم.» (کلینی، ج ۱، ص ۱۶۵)

## ۲- جایگاه تولی و تبری

امام سجاد علیه السلام در قالب تأویل آیات قرآن، اهمیت دو رکن اساسی دین، یعنی «تولی و تبری» را خاطر نشان می‌کند. از جمله این که در تفسیر فراز پایانی آیه نور «یهدی الله لنوره من يشاء» می‌فرماید: «خداوند آن کس را که دوست می‌دارد، به ولایت ما اهل بیت علیهم السلام رهنمون می‌شود.» (حسینی، ج ۱، ص ۳۶۰) و نیز در آیه «قال و من كفر فامتعه قليلاً...» هر کس را از امت پیامبر علیهم السلام که وصی او را منکر شود و پیرویش نکند، مشمول معنای آیه می‌داند. (نک: عیاشی، ج ۱، ص ۵۹)



## ۲. ترسیم محورهای تفکر آخر الزمانی

بخش معنادار دیگری از روایات تأویلی امام سجاد علیه السلام، به ترسیم چشم انداز نهایی دنیا اختصاص دارد. می‌توان روایات این بخش را در سه محور دسته‌بندی کرد:

### ۲-۱- مهدویت و ظهور

موضوع مهدویت و زمینه سازی برای درک و پذیرش ظهور، امری است که اهل بیت علیهم السلام همگی به آن پرداخته‌اند. اما راهکار امام سجاد علیه السلام در مستند ساختن مهدویت به آیات قرآن، از ویژگی‌های ایشان است و صادقین علیهم السلام و ائمهٔ متأخر، این روایات را مکرّر از قول ایشان نقل کرده‌اند. از جمله این روایات، تفسیر «فُورَّب السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحُقُّ...» است. امام علیه السلام حق قطعی را در این آیه به قیام قائم علیه السلام تفسیر می‌کند (نک: قمی، ج ۲، ص ۳۳). هم‌چنین در بیان «أَيُّنَا تَكُونُوا يَأْتِ بَكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا» می‌فرماید: «ایشان اصحاب قائم علیه السلام هستند». (طوسی، الغیبه، ص ۳۱۳)

### ۲-۲- حکومت صالحان

یکی از مهم‌ترین اهرم‌های تربیت انسان‌های صالح، ترسیم چشم‌انداز امید آفرین فرجام کار صالحان در آخرالزمان است. نقش و اهمیت این اهرم تربیتی در دوران سراسر ظلم و خفغان حکومت اموی که به گواهی تاریخ، سیاه‌ترین دوران‌هاست، بیشتر نمایان می‌شود. امام سجاد علیه السلام که مربّی انسانهاست در قالب تبیین آیات قرآن به این مهم نیز پرداخته است. از برجسته‌ترین این آیات آیه ۵۵ سوره نور است. امام علیه السلام ذیل این آیه می‌فرماید: «بِهِ خَدَا سُوكِنَدَ آنَّهَا شَيْعَيَانَ مَا أَهْلَ بَيْتَ هَسْتَنَدَ. اِنَّ اَمْرَبَهِ دَسْتَ مَرْدَى اِزْ مَا بَرَّا يَأْنَهَا رَخْ مَىْ دَهَدَ وَ اوْ مَهْدَى اِنَّ اَمْتَ اَسْتَ وَ اوْ كَسَى اَسْتَ كَهْ رَسُولُ خَدَا عَلِيَّهُ وَهُوَ دَرْبَرَهَاشْ فَرَمَوْدَ: اَغْرِ اَزْ عَمَرْ دَنِيَا جَزِيَّكَ رَوْزَ باقِي نَمَانَدَه باشد، خداوند آن را تا جایی طولانی می‌کند که مردی از خاندان من که هم‌نام من است ظاهر شود و جهان را از عدل و داد پر کند؛ آن‌چنان که از ظلم و جور پر شده است.»

(طبرسی، جوامع، ج ۳، صص ۱۱۷-۱۱۸)

## ۳-۲- رجعت

رجعت یکی از اصول تفکر شیعیان اثنی عشری است که در احادیث فراوانی به آن اشاره شده است. امام سجاد علیه السلام تأویل رجعت را در کتاب خداوند طرح و بیان فرموده است؛ چنانکه آیه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْقُرآنَ لَرَادِكُمُ إِلَى مَعَادٍ» در تفسیر امام علیه السلام، در مورد رجعت بیان شده است (نک: قمی، ج ۲، ص ۱۴۷). حضرت در روایت دیگری نیز می‌فرماید: «يعنى پیامبرتان و امير مؤمنان و امامان علیهم السلام به سوی شما بازمى گردند.» (قمی، ج ۲، ص ۱۴۷؛ مجلسی، ج ۵۳، ص ۴۶)

## تعیین مصادیق آیات

یکی دیگر از ویژگی‌های تفسیر امام سجاد علیه السلام تعیین وارائة مصادیق آیات است. بیشتر این مصاداق‌ها به معرفی اهل بیت علیهم السلام، دوستان و دشمنان ایشان اختصاص دارد.

امام سجاد علیه السلام در تفسیر «أَنَّا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلُ الْبَيْتِ...» روایتی از ام سلمه نقل می‌کند که: «این آیه در خانه من نازل شد... سپس جبرئیل گفت: «ای محمد بنخوان «أَنَّا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلُ الْبَيْتِ»؛ این آیه درباره پیامبر علیهم السلام، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بود.» (طوسی، الامالی، ص ۳۶۸) به این ترتیب اهل بیت علیهم السلام نه تنها سبب نزول آیه، بلکه مصادیق منحصر به فرد آن هستند.

امام سجاد علیه السلام در فرصت‌های مناسب به بازگویی روایات معصومان قبل از خود پرداخته و با تکرار آنها بر اهمیت فرمایشات ایشان تأکید می‌کند. از جمله در تفسیر آیه مباھله، روایتی به این مضمون از امام حسن عسکری نقل می‌کند: «خداوند تعالی هنگامی که منکران کتاب، محمد علیهم السلام را انکار و با او محااجه کردند فرمود: «فَقُلْ تَعَالَى نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ...»؛ سپس رسول خدا علیهم السلام از نفس‌ها پدرم، از پسران من و برادرم و از زنان فاطمه مادرم را، از میان همه مردم، همراه خود کرد؛ پس ما خاندان او، گوشتش، خونش و جانش هستیم، ما از او بیم و او از ماست.» (طوسی، الامالی، ص ۵۶۴)

### نتیجه

1. وجود حجم قابل ملاحظه بیان تأویل، در روایات تفسیری امام سجاد علیهم السلام، مهم‌ترین ویژگی تفسیر ایشان است که احیاء عقاید شیعی و بازسازی منزلت و جایگاه اهل بیت علیهم السلام و امداد آن است.
2. بیان مصاديق آيات، راهکار عملی امام سجاد علیهم السلام برای معرفی دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام و نشان دادن ویژگی‌های آنان است.

امام سجاد علیهم السلام در روایت دیگری به نقل از امام حسن عسکری می‌فرماید: «خداؤند در کتابی که بر پیامبر ش فرو فرستاده، فرموده است: «أَفْنِ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»، پس رسول خدا کسی است که دلیل آشکاری از پروردگارش دارد و پدرم آن کسی است که تابع و گواه اوست.» (طوسی، الامالی، ص ۵۶۲)

گاهی نیز امام علیهم السلام در قالب تفسیر آیات، مصاديق دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام را معرفی کرده‌اند. به عنوان مثال، در تبیین آیه «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبِّكَ وَلِذلِكَ خَلَقَهُمْ» می‌فرماید: «ایشان اولیاء ما از میان مؤمنان هستند.» (عياشی، ج ۲، ص ۱۶۴) به عبارت دیگر امام علیهم السلام را که پذیرای ولایت اهل بیت علیهم السلام هستند، مصدق آیه فوق و بهره‌مند از رحمت حق می‌داند. هم‌چنین هنگامی که آیه «وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِيْهِ إِنْ أَرْدَتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ...» را تفسیر می‌کند، می‌فرماید: «این آیه در مورد پدرش [پدر ابن عباس] است.» (قمی، ۲۳، ۲) و در جایی دیگر در تفسیر «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَ أَخْلَقَ سَبِيلًا» او را مصدق آیه می‌داند. (قمی، ۲۳، ۲)

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه



١. ابن ابیالحیدد، عزّالدین. شرح نهج البلاغه. تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم. دارالاحیاءالکتب العربیه، بیروت: ۱۳۷۸ق.
٢. ابن اثیر، عزّالدین. الكامل فی التاریخ. دار صادر. بیروت: ۱۳۸۵ق.
٣. ابن بابویه، محمدبن علی (صدقه). الخصال. منشورات الاسلامیه. قم: ۱۳۶۲ش.
٤. ———. کمال الدین و تمام النعمة. مؤسسه النشر الاسلامی. قم: ۱۴۰۵ق.
٥. ابو ریه، محمود. أضواء على السیه المحمدیه. مؤسسه منشورات الاعلمی للمطبوعات، بیروت: بیتا.
٦. اصفهانی، عمادالدین حسین (عمادزاده). زندگانی چهارده م Gussoom علی علی. مکتب قرآن، تهران: ۱۳۴۸.
٧. اصفهانی، احمدبن موسی (بن مردویه). مناقب علی بن ابی طالب علی علی و ما نزل فی القرآن فی علی علی. دارالحدیث، قم علی علی. ۱۴۲۲ق.
٨. بحرانی، سید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن. بیاد بعثت، تهران: ۱۴۱۶.
٩. حسینی، شرف الدین علی. تأویل آیات الظاهره فی فضائل العترة الطاھرہ. مدرسه الامام الموسوی، قم: ۱۴۰۷ق.
١٠. الدمشقی، اسماعیل بن کثیر (ابن کثیر). البدایه و النهایه. دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ق.
١١. سیوطی، جلال الدین. تاریخ الخلفاء. بینا، بیجا، بیجا.
١٢. شریف قرشی، باقر. حیاة الامام زین العابدین علی علی. دارالا ضواء، بیروت: ۱۴۰۹ق.
١٣. طبرسی، فضل بن حسن. جواعی الجامع. انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۷ش.
١٤. طبری، محمدبن جریر. تاریخ الطبری. بریل، لیدن: ۱۸۷۹م.
١٥. طوسی، محمدبن حسن. الامالی. دار الثقافه، قم: ۱۴۱۴ق.

١٦. ———. الفهرست. نشر الفقاہ، بی جا: ۱۴۱۷ق.
١٧. ———. الغیبہ. مؤسسه المعارف الاسلامیہ، قم: ۱۴۱۱ق.
١٨. ———. اختیار معرفة الرجال (رجال کشمی)، مؤسسة آل البيت، قم: ۱۴۰۴ق.
١٩. عیاشی، محمدبن مسعود. کتاب التفسیر. انتشارات علمیہ، تهران: ۱۳۸۰ق.
٢٠. القمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی، دار الكتاب، قم: ۱۳۶۷ش.
٢١. الكلینی، محمدبن یعقوب. الكافی. دار الكتب الاسلامیہ، تهران: ۱۳۶۳.
٢٢. الكوفی، فرات بن ابراهیم. تفسیر الفرات. سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۴۱۰ق.
٢٣. الكوفی، محمدبن سلیمان. مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام. مجمع احیاء الثقافه الاسلامیہ، قم: ۱۴۱۲ق.
٢٤. مازندرانی، محمدبن علی (ابن شهر آشوب)، مناقب آل ابی طالب. مطبوعه الحیدریہ نجف: ۱۳۷۶ق.
٢٥. ———. معالم العلماء. مطبوعه الحیدریہ، نجف: ۱۳۸۰ق.
٢٦. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، مؤسسه الوفاء، بیروت: ۱۴۰۳ق.
٢٧. مسعودی، ابوالحسن. مروج الذهب و معادن الجوهر. دار المعرفه، بیروت: ۱۳۶۸.